

دلیل استقامت

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (141) امر و خلق - جلد 2

۱۴۱ - دلیل استقامت

و قوله الارفع الاسنی دلیل و برهان دیگر که چون شمس بین دلائل مشرق است استقامت آنجال ازلی بر امر الهی که با اینکه در سن شباب بودند و امری که مخالف کل اهل ارض از وضع و شریف و غنی و فقیر و عزیز و ذلیل و سلطان و رعیت بود با وجود این قیام بر آن امر فرمود چنانکه کل استماع نمودند و از هیچ کس و هیچ نفسی خوف نمودند و اعتنا نفرمودند آیا میشود این بغیر امر الهی و مشیت مثبتة ربانی قسم بخدا که اگر کسی فکر و خیال چنین امری نماید فی الفور هلاک شود و اگر قلبهای عالم را در قلبش جا دهی باز جسارت بر چنین امر مهم نماید مگر باذن الهی باشد و قلبش متصل بفیوضات رحمانی و نفسش مطمئن بعنایات ربانی آیا این را بچه حمل کنند آیا بجنون نسبت میدهند چنانچه بانبیای قبل دادند و یا میگویند برای ریاست ظاهره و جمع زخارف دنیای فانیه این امور را متعرض شده اند سبحان الله در اول یکی از کتب خود که آنرا قیوم الاسماء نامیده و اول و اعظم و اکبر جمیع کتب است اخبار از شهادت خود میدهند و در مقامی این آیه را ذکر فرموده اند یا بقیة الله قد فدیت بکلی لک و رضیت السب فی سبیلک و ما تمنیت الا القتل فی محبتک و کفی بالله العلی معتصما قدیما و همچنین... کانی سمعت منادیا ینادی فی سری اقد احب الاشیاء الیک فی سبیل الله کما فدی الحسین علیه السلام فی سبیلی... ليعلم الكل مقام صبری و رضائی و فدائی فی سبیل الله... آنچه ایداء بر آن سدره طوبی وارد میاوردند شوقش بیشتر و نار حبش مشتعلتر میشد چنانچه این فقرات واضح است و احدی انکار ندارد تا اینکه بالاخره جان را در باخت و برفیق العلی شتافت .



ORIGINAL